

اشاره

شرکت «انتشارات فنی ایران»، از ابتدای دهه ۶۰ فعالیت خود را در زمینه تولید کتاب‌های فنی آغاز کرده است. این انتشارات که از ناشران قدیمی در این حیطه محسوب می‌شود، تا امروز فراز و نشیب‌های فراوانی را پشت سر گذاشته است. ماحصل این فراز و نشیب‌ها و کار کردن در حیطه‌ای که مخاطبان فراوانی ندارد، دریافت جوایز متعدد از نهادها و جشنواره‌های مختلف بوده است. انتشارات فنی ایران، سال گذشته نیز در سومین جشنواره کتاب‌های آموزشی رشد (دوره متوسطه) به عنوان ناشر برگزیده شناخته شد. همین مسأله، بهانه گفت‌وگوی ماست با مهندس رضا کروی، مدیر این انتشارات.



کتاب‌های فنی ابزاری مهم برای فراگیری

هیچ کدام علمی نیستند. همین موضوع باعث می‌شود که متأسفانه، اجرای کارهای فنی ما و اصولاً قابلیت فنی جامعه مان، بسیار بسیار پائین تر از کشورهای اروپایی و پیشرفته باشد. یکی از ابزارهای مهم برای فراگیری مهارت‌های فنی و حرفه‌ای در دنیای جدید، انواع کتاب‌های فنی و منابع و مراجع مربوط به این زمینه است، اما کارگران فنی ما اهل کتاب و مطالعه نیستند. برای ما خیلی طبیعی است که اگر کسی در درس موفق نشود و به هر دلیلی نتواند ادامه تحصیل بدهد، او را به شغل‌های فنی مثل لوله کشی، نقاشی، جوشکاری و سایر کارهای فنی بفرستیم. واضح است که چنین فردی پشتوانه کتابخوانی و مطالعه، یعنی فرهنگ مکتوب را

○ جناب آقای کروی شما با چه انگیزه‌ای

به سمت تولید کتاب‌های آموزشی رفتید؟

● شرکت انتشارات فنی ایران از سال ۱۳۶۰ برای تهیه کتاب‌های فنی کاربردی، هم برای عموم مردم و هم برای کارگران فنی و تکنسین‌ها تأسیس شد. بنده، به عنوان یک مهندس همیشه فکر می‌کردم که بزرگ‌ترین مشکل ما در اجرای پروژه‌های فنی، نقص مهندسی مان نیست، بلکه بیش‌تر نقص اجراست. نقص اجرا هم از آن جا ناشی می‌شود که بنده اجرایی فنی ما، یعنی کارگران و تکنسین‌ها، ملزم به فراگیری آموزش‌های فنی و حرفه‌ای نیستند. یعنی مهارت‌ها به صورت سینه به سینه و استاد - شاگردی فراگرفته می‌شوند و بنابراین

ندارد. این خود باعث می‌شود که کار ما بسیار سخت شود. یعنی قضیه ما قضیه مرغ و تخم مرغ است.

بعضی‌ها می‌گویند که چون کارگران ما عادت به کتابخوانی ندارند، انتشار کتاب برای آن‌ها بی‌فایده است. از طرف دیگر هم، وقتی ما کتاب‌های فنی کاربردی مناسب نداریم که در اختیار کارگران بگذاریم، کارگران پیشگامی که می‌خواهند از بقیه جلوتر باشند، کتابی در دست‌رسان نیست تا بتوانند به کمک آن، مهارت‌هایشان را ارتقا بدهند. این قضیه تاکنون به همین شکل باقی مانده است و وقتی که ما کتابی منتشر می‌کنیم، با استقبال روبه‌رو نمی‌شود.

به هر صورت، ما از سال ۱۳۶۰ کار انتشار کتاب‌های فنی و حرفه‌ای را شروع کردیم که ابتدا کارمان اصلاً با استقبال روبه‌رو نشد و شرایط سختی داشتیم. تا این که مرحله دوم کارمان را از دهه ۷۰ شروع کردیم و آرام آرام پیش رفتیم و خوشبختانه بیش‌تر کتاب‌های ما برنده جایزه شدند و از ما تقدیر شد؛ مثلاً در کتاب سال یا در مجامع مختلف، اعم از جشنواره‌های وزارت نیرو، کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان و جشنواره کتاب‌های آموزشی رشد. اما از نظر اقتصادی، پروژه ما پروژه موفق نبوده است، چون بیش‌تر نیروی ما صرف این شد که کتاب‌های فنی - حرفه‌ای را جا بیندازیم.

○ شما در مجموع وضعیت کتاب‌های آموزشی در حیطه فنی را چه طور می‌بینید؟
آیا این گونه کتاب‌ها واقعاً آموزشی هستند

یا نه؟

● کتاب‌های آموزش فنی در این چند ساله رشد خوبی کرده‌اند و کیفیت کتاب‌هایی که هم‌اکنون انتشاراتی‌ها دارند منتشر می‌کنند، خیلی بالاتر از کتاب‌هایی است که در دهه ۶۰ درمی‌آمدند و اصولاً با کتاب‌هایی که قبل از انقلاب درمی‌آمدند، قابل مقایسه نیستند. در حال حاضر، به کیفیت خیلی توجه می‌شود. ۱۰ سال پیش که ما از طراحی‌های خیلی خوبی برای کتاب‌هایمان استفاده می‌کردیم، به جلد آن‌ها UV می‌زدیم و با یک شکل و شمایل خیلی تمیز و مرتب کتاب را منتشر می‌کردیم، خیلی از مراکز نشر که بسیار هم فعال بودند، این کار را مسخره می‌کردند. یعنی جدی برخورد نمی‌کردند و می‌گفتند، برای کتاب‌هایی که مخاطب فنی دارد، این هزینه‌های اضافه لزومی ندارد و لازم نیست، ظاهرش به این صورت جذاب باشد. آن‌ها کتاب‌هایی را با جلد تک‌رنگ، بعضاً روی مقوای پشت‌توسی، با ظاهری بسیار اسفناک منتشر می‌کردند. اما همان همکاران ما، الان با یک الگوسازی - که یکی از پیشقدمان ما بودیم - جلد کتاب را طراحی می‌کنند و به فرم و صفحه‌بندی‌اش بسیار اهمیت می‌دهند.

البته باز هم بگویم که ما هنوز استقبال چندانی از آموزش‌های فنی و حرفه‌ای در قالب کتاب نمی‌بینیم. حتی تیراژ کتاب‌های «سازمان آموزش فنی و حرفه‌ای» بسیار پائین است.

○ چگونه می‌توان به افزایش تیراژ در کتاب‌های این حوزه رسید؟

● امیدواریم با بالا رفتن سطح کتاب‌ها، استقبال



یکی از بزرگ‌ترین مسائل و مشکلات ما این است که بومی‌سازی فرایندی پرخرج است

شرایط خاص ایران، کتاب را تدوین کنیم. یعنی ما ترجمه را فقط پلی می‌دانیم و باید

حضورمان را در صحنه از جایی شروع کنیم. به نظرم ترجمه شروع این راه است. اگر قرار است به همین جا ختم شود و تمامی کتاب‌های ما به این صورت انتشار بیابد، فکر نمی‌کنم بتوانیم مخاطبی بیش از این که جذب کرده‌ایم، جذب کنیم. اما اگر بتوانیم تألیف کنیم، یعنی تنگنانهایی را که عرض کردم، پشت سر بگذاریم، می‌توانیم مخاطب بیش‌تری جذب کنیم. اگر در این راه موفق شویم، هم از لحاظ مالی برای ما خوب است و هم برای جامعه مفید خواهد بود.

○ شما بحث تألیف را مطرح کردید. در حال حاضر، وضعیت مؤلفان چگونه است؟ آیا کسانی هستند که بتوانند، کار تألیف را در حیطه کتاب‌های فنی و حرفه‌ای انجام دهند؟ ● ما اگر بخواهیم یک مؤلف ایرانی را با یک مؤلف خارجی مقایسه کنیم باید بدانیم که در آن‌جا عمده‌ی قیمت کتاب را تألیف مشخص می‌کند. در صورتی که در مورد کتاب‌های ما، بیش از ۱۲-۱۰ درصد قیمت پشت جلد را مؤلف یا مترجم دریافت نمی‌کند. قیمت کتاب‌ها هم

هم بیش‌تر شود. یک مشکل دیگر هم کیفیت پائین کتاب‌ها از لحاظ بومی نبودن است که این خود باعث افت فروش می‌شود. اغلب کتاب‌هایی که ما منتشر می‌کنیم، ترجمه کتاب‌های آمریکایی هستند که طبیعتاً براساس مسائل مربوط به مملکت ما نوشته نشده‌اند و بومی نیستند. این مشکل بزرگی است که البته در مورد خیلی از علوم محض، مانند فیزیک و شیمی اشکال ایجاد نمی‌کند. اما در مورد مسائل فنی حرفه‌ای، با توجه به این که ابزار کار و مسائل ما با کشور آمریکا فرق می‌کند، جزئیات انجام کار هم در کشور ما با آن کشور فرق می‌کند. متأسفانه هنوز به جایی نرسیده‌ایم که بیایم براساس شرایط ملی خودمان دقیقاً بومی‌سازی کنیم.

○ با توجه به مسأله بومی‌سازی، آیا شما کارشناسانی دارید که روی این مسأله متمرکز شوند و سعی کنند، کتاب‌هایی را که ترجمه یا تألیف می‌شود، به نوعی بومی‌سازی کنند؟

● یکی از بزرگ‌ترین مسائل و مشکلات ما این است که بومی‌سازی فرایندی پرخرج است. یعنی متأسفانه، به دلیل این که قیمت کتاب‌ها پائین است، ما عملاً بودجه چندانی برای بومی‌سازی نداریم. بومی‌سازی کاری بسیار پرهزینه و زمان‌بر است. ما هنوز جز در قسمتی از کتاب‌هایمان با اضافه کردن ضامتی، نتوانسته‌ایم بومی‌سازی به معنی واقعی کلمه را پیاده کنیم؛ البته در برنامه‌مان این هست. هدف اصلی ما در اساسنامه شرکت انتشارات فنی ایران این است که نهایتاً براساس

اجازه پرداخت بیش تری را به ناشر نمی دهد. با این رقم ها، نمی توانیم انتظار داشته باشیم که مؤلف تمام وقت و حرفه ای داشته باشیم.

برای داشتن مؤلف تمام وقت و حرفه ای باید مقدمات طوری فراهم بشود که او با تألیف یک کتاب بتواند زندگی کند و زندگی مناسبی هم داشته باشد. چنین امکانی را صنعت نشر ایران به مؤلف کتاب های فنی نمی دهد. علاوه بر این که اصولاً فنون ما همه وارداتی هستند و ما صاحب فناوری نیستیم و طبیعتاً مؤلف ما هم ناگزیر خواهد بود که از کتاب های خارجی استفاده کند. فقط تعداد بسیار محدودی از کتاب های فنی و حرفه ای، به صورت تألیف واقعی، منتشر می شوند؛ نه به این معنا که بعضی از همکاران، چند کتاب خارجی را انتخاب می کنند و با تلفیق آن ها، کتابی تألیف می کنند. این ها معمولاً آثار موفق از آب در نمی آیند؛ چرا که چنین کاری، پیوستگی مطلب به هم می خورد.

خود ما یک بار تجربه کتاب هایی را که تألیفی می نامیم، داشته ایم. چند سال طول کشید، هزینه گزافی روی دست ما ماند و کتابی آماده کردیم که، کتاب سال شد. اما واقعیت این است که ما برای هر کتاب نمی توانیم سال های سال وقت و هزینه بگذاریم. چون به هر حال کار ما کاری است که جنبه اقتصادی هم دارد. همین باعث می شود، مؤلف حرفه ای که برای کارش

تقاضا نیست، به وجود نیاید. عده زیادی از کارشناسانی که سال ها در صنعت کار کرده اند، مدرسان مدرسه های فنی - حرفه ای، مدرسان سازمان آموزش فنی حرفه ای یا صنعتگران ما، می توانند با کمک و مشارکت مهندسان جوان، کتاب هایی تألیف کنند.

○ فکر می کنید طرح سامان بخشی کتاب های آموزشی که جشنواره رشد هم شامل آن می شود، می تواند با مطرح و برجسته کردن کارهای خوب، رونقی به کتاب های فنی بدهد

و به نوعی بازار را تکان بدهد؟

● بله، به عنوان نمونه وقتی که ما به عنوان ناشر نمونه گروه های برق، مکانیک و عمران شناخته شدیم، این در تمام افرادی که با ما کار می کنند، شور و شوقی به وجود آورد. یعنی فهمیدیم، این طور نیست که ما سرمان را پائین بیندازیم و کارمان را بکنیم و هیچ کس هم متوجه نشود. ولی ما در یک گوشه از بازار نشر - که بسیار هم حیطه کوچکی است و مخاطب بسیار کمی هم دارد - کتاب هایی را منتشر می کنیم که مثل کتاب های کنکور، مخاطب میلیونی ندارند. مخاطب جوشکاری ما اصولاً چند هزار نفر است و از این چند هزار نفر، چند نفرشان کتاب می خوانند؟ یعنی بازار بسیار مشکلی داریم. با این حال، وقتی دیدیم که واقعاً به این زحمات یک جایی توجه دارد، خوشحال شدیم. درست است که برای ما موفقیت مالی به همراه نداشت، اما خودمان را نسبت به دیگران محک زدیم و دانستیم که کجاییم و این که راهی که می رویم، درست است و باید آن را محکم تر ادامه دهیم؛ چون به هر حال، کتاب های ما با کتاب های



همکاران دیگر مقایسه شد.

این موفقیت‌ها به ما روحیه داد و دانستیم که تا حد زیادی در محدوده فعلی مان که ترجمه است، موفق بوده ایم و می‌توانیم امیدوار باشیم که با ادامه همین راه، به موفقیت بیش‌تری دست یابیم. این رقابت سالم، با وجود همین مسابقات و جشنواره‌ها در تمام زمینه‌ها بسیار مناسب است و کمک می‌کند. مثلاً وقتی که ما برندگان جشنواره کتاب‌های آموزشی رشد را می‌دیدیم، خیلی علاقه‌مند بودیم که برویم با مترجمانی که برنده جایزه شده‌اند، همکاری کنیم؛ چون نوعی انتخاب نخبه‌ها بود. وقتی شما مترجمانی را می‌شناسید که در کارشان موفق بوده‌اند، طبیعی است که همکاران آینده خود را از این افراد حرفه‌ای انتخاب کنید. خود این هم کمک می‌کند، مترجمانی که کارشان ارزنده‌تر است، بهتر کار کنند. این رقابت بسیار خوب است. مثلاً یکی از دوستان ما که برنده کتاب برگزیده شده بود، تقریباً ترجمه را کنار گذاشته بود؛ چون مهندسی است که در جایی کار می‌کند و درامدی که از کار مهندسی دارد، اصلاً با ترجمه کتاب قابل مقایسه نیست. اما زمانی که از شهرستان برای گرفتن جایزه آمده بود، دیدم که خیلی خوشحال است. او گفت: اصلاً فکر نمی‌کردم، کتابی که ترجمه می‌کنم، چنین موفقیتی داشته باشد. همین مسائل، کمک می‌کند که ریزش نیرو در این بخش کم شود؛ چون به هر حال غیر از مسائل مادی، کسب چنین موفقیتی‌هایی برای خیلی از افراد ارزشمند است و کم‌تر کسی هست که از این‌ها چشم‌پوشد.

در کل فکر می‌کنم که این جشنواره برای

فقط تعداد بسیار محدودی از کتاب‌های فنی و حرفه‌ای، به صورت تألیف واقعی، منتشر می‌شوند

اعتلای کتاب‌های آموزشی بسیار مؤثر است؛ نمونه‌اش همین روحیه‌ای است که به ما داده و خود ما را خیلی شایق‌تر کرده است. چون بعضی از وقت‌ها به خاطر تعداد کم مخاطب، فکر می‌کنیم، حیطة‌ای که انتخاب کرده‌ایم بسیار دشوار است.

○ فکر می‌کنید طرح سامان‌بخشی و جشنواره روی مخاطبان چه تأثیری دارد؟

● نمی‌دانم در بیرون و انکش مردم نسبت به این انتخاب‌ها چیست. امیدوارم که مردم هم نظر مثبت داشته باشند و این انتخاب‌ها را منصفانه ارزیابی کنند؛ چون در غیر این صورت اقبالی به کتاب‌های منتخب نشان نمی‌دهند.

○ خیلی ممنون جناب مهندس کروب‌ی. فکر می‌کنید نکته یا گفته خاصی مانده باشد؟

● بله. دانش‌آموزی که می‌خواهد کتابی در زمینه فنی و حرفه‌ای، یا کمک‌آموزشی بخرد، به توصیه‌های دوستانش یا تبلیغات روزنامه و تلویزیون متوسل می‌شود. حالا اگر معیار جدید به وجود بیاید و کارشناس‌هایی که مورد اطمینان مردم هستند و افکار عمومی آن‌ها را قبول دارند، این ملاک و معیارها را نشان بدهند و کتاب‌هایی را انتخاب کنند، به دانش‌آموزان خیلی کمک می‌شود. اصولاً من فکر می‌کنم، تمام این داورها و جشنواره‌ها، کمک می‌کنند به گسترش کیفی کتاب‌های آموزشی.

